

ندای وجدان



نویسنده : دکتر بصیر کامجو

مارچ 2020 میلادی

ندای وجدان - صدایی از درون آدمی است. آن صدایی که ازورای درک شهودی به انسان می رسد ولی گوش ظاهر وی آنرا نمی شنود . همین صدای درون آدمی است که انسان را می گوید که این کار را بکن و آن کار را نکن . صدای وجدان عقل و صدای حق است . کسانی که به ندای راستین این صدا گوش نمی دهند یا بی وجدان اند یا بی عقل یا حق ناشناس .

در مورد ندای وجدان از آقای خلیل زاد سوال می شود . : هنگامیکه شما در دوحه با نماینده های طالب پیمان امنیتی را امضا می کردید - که در آن آمده 5000 طالب در قدم نخستین بدون قید و شرط باید از بند زندانهای حکومت افغانستان رهایی یابد. آیا امضای رهایی 5000 طالب ندای وجدان شما بود یا جذبه وسازش با احساس غرائز نفسانی و تباری و قومی شما .

مادامیکه خود خوب می دانید که این 5000 طالب در بند زندان ، همان قاتلان شصت هزار سرباز جوان این کشور اند که در جریان حکومت بی مقدار اشرف غنی - بقتل رسیده اند .

اما شما بدون حکم دادگاه عالی و تمکین نگذاشتن به قوانین حقوق بین الملل ، زیرکانه در زیر چتر نیروهای رزمی آمریکا ، رهایی 5000 طالب قاتل را صادر کردید که نه از صلاحیت حقوقی شما بوده و نه از صلاحیت حقوقی رژیم متقلب و دست نشانده و غیرمشروع اشرف غنی.

نمی دانم که شما آقای خلیلزاد از سال 1980 به اینسو که عضو حزب جمهوریخواهان آمریکا هستید و تاکنون در سمت های نماینده سیاسی آمریکا در سازمان ملل متحد و سفیر آمریکا در عراق و افغانستان کار و فعالیت کردید ، و ادعای دکترا و دانشمندی را هم دارید ، اما ماهیت عملکرد سیاسی و انسانی شما در جامه عمل چیز دیگری را روایت می کند و فاقد شناخت حق و حقوق شهروندی ، بدور از انسانیت و عقلانیت می باشد.

تاریخ گواه این اصل است که نقش عملکرد سیاسی شما در افغانستان بویژه از زمان ایجاد گروه طالبان تاکنون حاکی از آن است که شما برنامه های عمل خویش را با همتباران خونی خویش همچو ، حامد کرزی و اشرف غنی احمدزی بر بنیاد سه هدف سیاسی راهبردی ترتیب و تدوین کرده اید .

1 - استقرار و تداوم و تقویه پایه های سیاسی حاکمیت قبیله در افغانستان و منطقه

2 - تقویت و تمویل و تسلیح گروه طالبان از جنس قبیله بمثابه قدرت رزمی فشار - بالای اقوام غیر پشتون در کشور و منطقه

3 - تأمین منافع سیاسی و اقتصادی آمریکا و شرکای سیاسی آن از طریق تولید مواد مخدر ، جنگ و انتحار و انفجار.

آقای خلیلزاد تاریخ شاهد است که شما از آوان جوانی تاکنون خادم تمایلات نفسانی برای حفظ بقای زندگی فردی و تباری خویش می باشید . و در رسیدن به غرائز نفسانی و تباری و کیف قدرت ، هیچگاه سجایایی نیک اخلاقی مانند راستی ، صداقت ، مهرورزی ، انسانیت و شرافت - نزد شما کدام رنگ و بوی نداشته است. زیرا عملکرد سیاسی و اخلاقی شما در همه مواقع نشان می دهد که شما چه یک موجود آریزیده هستید. بگونه نمونه :

یادت میاد زمانیکه که شما در دانشگاه آمریکایی بیروت دانش آموز دوره لیسانس بودی و همراهی اشرف غنی احمدزی در یک اتاق زندگی می کردی ، روزی از خواب برخاستی و به اشرف غنی گفتی که خوابی دیده ای ، اشرف غنی از شما پرسان کرد که چه خوابی ، شما گفتید !

" من خواب دیدم که وزیر خارجه آمریکا شده ام "

هنوز دانش آموزی بیش نبودی ، مگر از آن روزهای نوجوانی نیت و اراده ، فکر و هوش شما در راه خدمت گذاری به زادگاه خودت نبوده ، بلکه راغب به رویکرد بندگی به کشور غیر بوده است . پس خدمتگذاری بغیر در فرآیند زمان کم کم به سرشت کسبی و ماهیت وجودی و سلوک رفتاری شما تبدیل گردیده است. چه خوب سعدی بزرگ در مورد می نویسد :

خوی بد در طبیعتی که نشست

ندهد جز به وقت مرگ از دست

من به این اندیشه تأکید می کنم ، رهبران و نیروهای که اکنون در جبهه ضد تقلب برای ایجاد یک حاکمیت مردمی که در آن ارزشهای تعادل حقوق شهروندی ، همبستگی ملی ، عدالت اجتماعی ، آزادی و صلح حرف اول را بزنند ، باید در تشکیل چنین یک دولت همه شمول و تکامل پسند ، مسائل ذیل قابل تأمل باشد.

1 - باید راهبرد سیاسی دولت همه شمول بر بنیاد شناخت کرامت انسانی و حقوق متعادل شهروندی به گونه ایجاز به مردم ما و جهانیان هر چه زود تر، ارائه گردد.

2 - نباید با نماینده های سیاسی آمریکا ، اتحادیه اروپا و نماینده فوق العاده سازمان ملل متحد ، برخورد سرد غیر دیپلماتیک صورت گیرد . اینها همه بر بنیاد منافع ملی خودشان عمل می کنند . سخن اینجاست که رژیم اشرف غنی تاکنون از راه جنگ و انتحار و انفجار توانسته منافع این نهاد های بین المللی را تأمین نماید . ایندم بر حکومت همه شمول است که با تدبیر عقلانی برنامه های سیاسی و اقتصادی خویش را بر بنیاد صلح و آزادی تدوین نماید و در آن بر تأمین همه جانبه منافع ملی آمریکا ، اتحادیه اروپا و سایر کشورهای دوست ، پسندیده تأکید بعمل آید .

3 - با حفظ حرمت به کرامت انسانی همه ، دیگر هیچگاه و هیچوقت نباید به مشوره ها ، پیشنهادات و میانجیگری - حامد کرزی ، زلمی خلیلزاد و عبدالرب سیاف ، تمکین گذاشت . زیرا نقش منفی و فعال این سه فرد معلوم الحال ، سبب تولید این همه آشوب کنونی در کشور شده است .

4 - دولت همه شمول از همین امروز باید نماینده های سیاسی خود را جهت مشورت به کشورهای دلخواه روانه بدارد . تا از این طریق بتوانند برنامه های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و رزمی خویش را به کشورهای دوست تفسیر کنند و حمایت همه جانبه آنها را دانشوران جلب نمایند .

5 - دولت همه شمول باید یک کمیسیون مشورتی برای رسیدگی به مسئله جذب دانش آموخته های که در کشورهای خارج زندگی دارند ، تشکیل دهد . این کمیسیون مکلفیت خواهد داشت که بر بنیاد کثرت گرایی اندیشه بتواند کار آگاهان مجرب را به دولت همه شمول جلب کند و از این راه بتواند پشتیبانان منافع ملی و مشارکت همگانی باشد .

6 - قابل ذکر است که در تاریخ سرزمین ما هیچ حاکمیت سیاسی قومی - از سیصد سال بیشتر دوام نداشته است . اکنون در کشور دارد که حاکمیت پیر تمامیتخواه قبیله بر منوال تاریخ در پرتگاه فروپاشی قرار گرفته است . ازین بابت رهبران قبیله در یک سراسیمگی و دستپاچگی هر کدام برای نجات نعش مردار رهبری حاکمیت تک قومی تلاش غرضمندانه می ورزند ؛ یکی در چهره طالب بنام استانکزی ، دیگری در چهره نماینده ویژه آمریکا بنام زلمی خلیلزاد ، فرد دیگری در چهره میانجیگر بنام حامدکزی ، دیگری در چهره اشرف غنی رئیس رژیم متقلب غیر مشروع دست به کار شده اند اما همه در لباسهای رنگارنگ بخاطر یک هدف فعالیت دارند که تا این حاکمیت فرتوت جنایت پیشه قوم خویش را به هر قیمتی که بشود از مرگ حتمی نجات دهند .

ما خواستار حکومت همه شمول تکامل پسند که خواهان همبستگی ملی و تعادل حقوق شهروندی باشد هستیم . اما هوشدار می دهیم که باید مردم ما همبسته عمل نمایند . و بادرک چنین شرایط احترامانه تأکید می کنیم که هرگونه کرنش و عقب نشینی از خواست برحق صلح و خود فرمانی ملی ، منجر به استمرار سه صد سال دیگر جنگ و دهشت و جنایت را در پی دارد .